

ترجمه متون علمی مسلمانان در اروپا حسن حسین زاده شانه چی(*)

فصلنامه تاریخ اسلام - شماره 8 - زمستان 80

رئسانس اروپا که ثمره فعالیت اندیشمندان اروپایی در چند سده پایانی قرون وسطی بود، به حد زیادی مرهون بهره مندی از فرهنگ و تمدن اسلامی بود. رویکرد اروپاییان به ترجمه متون علمی مسلمانان برای رهیابی به معارف بشری، اساس بسیاری از مطالعات علمی اروپا قرار گرفت. از این رو، بسیاری از آثار دانشمندان مسلمان، متون درسی دانشگاه های اروپا در عصر رنسانس و پس از آن در عصر انقلاب صنعتی شد. ترجمه این آثار تقریباً همزمان با نبرد های باز پس گیری در سده یازدهم میلادی در اندلس آغاز و در طی یک قرن به اوج خود رسید.

واژه های کلیدی: علوم در اسلام، ترجمه و انتقال، مراکز ترجمه، مترجمان.

بررسی تاریخ علوم بشری این حقیقت را آشکار می سازد که این علوم، مجموعه پیوسته ای هستند که در طی قرن ها زندگی و تجربه بشر پدید آمده اند و به قوم یا تمدن خاصی اختصاص ندارند، بلکه نتیجه تلاش و تجربیات اقوام و ملل مختلف در طی قرون و اعصارند. به این معنا که هر یک از جوامع متمدن در شرق یا غرب عالم، در برهه ای از زمان نقشی در پیشبرد و توسعه این علوم داشته اند و نتیجه کار هر یک مورد استفاده جوامع بعدی قرار گرفته است. تلاش برخی از مورخان اروپایی بر این بوده است که تاریخ علوم بشری را به دو دوره عصر یونانی و نهضت اروپایی (رنسانس) محدود سازند؛ اما همان گونه که نمی توان یونانیان را پایه گذاران علوم بشری دانست - چرا که آنان نیز در دست یابی به مبانی علوم و تمدن، مرهون تمدن های کهن تر از خویش، به ویژه تمدن های بین النهرین و سواحل شرقی مدیترانه بودند - نهضت علمی اروپا در دوره رنسانس را هم نمی توان حرکتی منفرد برخاسته از جامعه قرون وسطایی اروپا برشمرد. از این رو، غربیان رویکرد اروپا به علم و دانش را در عصر رنسانس، ناشی از بازگشت آنان به علوم یونانی دانسته اند و بدین ترتیب، خود را وارثان علم و دانش یونان تلقی کرده اند. البته آنان معمولاً نکته مهمی را مسکوت می گذارند و آن، نحوه دست یابی شان به مبادی علم و دانش یونانی و پر کردن خلا علمی و فکری اروپاییان در طی قرون وسطی است؛ دورانی که تقریباً فعالیت های علمی در اروپا متوقف گردید و هرگونه نگارش و تالیف در زمینه های علوم غیردینی تعطیل شده بود و آثار باقی مانده از دانشمندان یونانی از بین رفته بود.

با نگاهی به تاریخ، علت این سکوت را به آسانی می توان دریافت؛ زیرا حلقه اتصال اروپای متمدن به دانش کهن یونانی، تمدن بزرگ اسلامی (به عنوان نماینده تمدن شرق) بود. تاریخ نویسان غربی، در طی صدها سال به واسطه برداشت های نادرستی که در میان مسیحیان رایج بود، کارهای عظیم مسلمانان را کوچک جلوه می دادند و جعل و تحریف های بسیاری در آن وارد می کردند. ((دکتر رایگرد هونکه)) نویسنده کتاب فرهنگ اسلام در اروپا به نمونه ای از این موارد اشاره کرده است (1) که حاکی از آن است که برخی نویسندگان غربی خواسته اند نقش تمدن اسلامی را در تاریخ علوم بشری ناچیز جلوه دهند و وامداری غرب به تمدن اسلامی را انکار کنند؛ در حالی که نقش اساسی تمدن اسلامی در رنسانس و تحولات علمی اروپا قابل انکار نیست و این را می توان از پیدایش نهضت ترجمه علوم اسلامی در اروپا، در اواخر قرون وسطی دریافت؛ نهضتی که منجر به رنسانس علمی و فرهنگی در غرب گردید.

به طور قطع، رنسانس علمی و فرهنگی اروپا یکی از بزرگ ترین تحولات تاریخ بشری است که هنوز با وجود گذشت قرن ها، از آن به عظمت و بزرگی یاد می شود. اما حقیقت این است که همان گونه که شکل گیری و تکوین علوم بشری امری تدریجی و مستمر بوده، تحول فکری اروپا نیز نتیجه فعالیت و عملکرد اروپاییان در چند قرن بوده که طی آن به نیمه قرون وسطی باز می گردد.

ابتدای قرون وسطی را غالباً با انقراض امپراتوری روم غربی و استیلای قبا یل بدوی و بی تمدن شمالی بر سرزمین های اروپای غربی همزمان می دانند. سیطره ((ژرمن ها)) (2) بر اروپای غربی، آغاز دوران انحطاط علمی و فرهنگی آن بود که به اصطلاح ((قرون وسطی)) نامیده شده است. ژرمن ها با پذیرش آیین رهبانیت مسیحی که صورت تغییر شکل یافته و تحریف شده تعالیم مسیح (ع) بود و تحت تأثیر آموزه های حکمای یونان و رواقیون و کاهنان مصری قرار داشت، راه هرگونه پیشرفت و توسعه علمی و فکری را مسدود ساختند. (3) بدین ترتیب، تحت تأثیر دو عامل: ((بربریت ژرمن ها)) و ((رهبانیت کلیسای ژرمنی))، از پایان سده ششم میلادی به بعد، به مدت پنج قرن فعالیت علمی ای در حوزه علوم طبیعی و تجربی در اروپای غربی صورت نگرفت و تنها مراکز علمی و فرهنگی آن سامان، کلیساها بودند که توجهشان همواره به پاره ای بحث های اسکولاستیک (4) (SCHOOLASTIC) پیرامون فلسفه الهی معطوف بود.

در همین دوران که اروپا در تاریخ ترین ادوار فرهنگی و تمدنی خویش به سر می برد، بزرگ ترین تمدن آن روزگار یعنی تمدن اسلامی در مرزهای مجاور اروپا مراحل رشد و شکوفایی خویش را می گذرانید. با این حال، اروپاییان بنا به علل گوناگون - که علت عمده آن عدم آگاهی و شناخت از تمدن اسلامی بود - رویکرد و توجهی به این گنجینه ارزشمند علم و تمدن نداشتند؛ حتی در بسیاری از موارد آبا کلیسا که مردان علم و دین به شمار می رفتند، به تخطئه، تحقیر و بدگویی از آن اقدام می کردند!

البته این امر را تا حدی می توان ناشی از تقابل فرهنگی غرب و شرق دانست. در واقع غربیان خود را برتر از مردم شرق می دانستند و شرق را فاقد اصالت و جزیی جدا افتاده از اروپا تصور می کردند. (5) از این رو، فکر بهره مندی از يك تمدن شرقی هیچ گاه به ذهن آنان خطور نمی کرد! مسأله ی دیگر مربوط به دین اسلام بود؛ برخی از اربابان کلیسا اسلام را شاخه ای انحرافی از دین مسیح (ع) و فرقه ای همانند سایر فرق عیسوی می دانستند، در نظر آن ها پیامبر اکرم (ص) اصلاح گری مرتد و مسلمانان کافرانی بی دین و علوم اسلامی علومی مادی و دنیوی بودند که مانع رسیدن انسان ها به رستگاری می شدند. بر این اساس، آنان، دانشمندان مسلمان را همانند پیامبر اکرم (ص) مستحق دوزخ و عذاب الهی می دانستند، این تصور و برداشت اروپاییان از اسلام و مسلمانان را می توان در منظومه کمدی الهی دانته (1321 - DANTE 1265 میلادی) به وضوح دید. او جایگاه پیامبر اسلام را در جهان آخرت در طبقه نهم جهنم می داند و دانشمندان مسلمانی چون ((ابن سینا)) و ((ابن رشد)) را در کنار کافران دوزخی قرار می دهد. (6) همین نگرش قرن ها بر اذهان اروپاییان مستولی بود تا این که آشنایی تدریجی آنان با فرهنگ و تمدن اسلامی، تغییری در نوع تصور و برداشت آنان پدید آورد که گام نخست ایشان در رویکرد به علوم و تمدن اسلامی بود.

شناخت جدید غربی ها از تمدن اسلامی، مرهون گسترش روابط چند جانبه آن ها (روابط تجاری، زیارتی، سیاحتی و نظامی) با جهان اسلام (در حدود قرن های دهم و یازدهم میلادی) بود. از قرن دهم میلادی با حضور ((نورمان))ها (NORMANS) در آب های مدیترانه، تجارت دریایی در اروپا با جهان اسلام توسعه یافت. پیشترها، به جهت استیلای کامل مسلمانان بر دریای مدیترانه، فعالیت های تجاری اروپاییان به سواحل اروپا محدود می شد. (7) بنادر ونیز (VENEZIA)، پیزا (PIZZA)، جنوا (GENOVA)، آمالفی (AMALFEA)، پالرمو (PALERME) و ماسینی (MESSINE) مراکز مهم تجاری اروپا بودند که با بنادر اسلامی در شمال آفریقا و شرق مدیترانه (مانند مهدیه، طرابلس غرب، قیروان، اسکندریه، صور و صیدا) داد و ستد داشتند. (8) در طی جنگ های صلیبی (1263 - 1083 م) روابط تجاری اروپا (به خصوص ونیز) با دوک نشین های سواحل شرقی مدیترانه بسیار رونق یافت و شهرهای اسلامی صور، صیدا، حیفا و طرابلس مراکز عمده تجارت در سرزمین های اورشلیم شدند. بازرگانان اروپایی که به این شهرها سفر می کردند و به جهت شرایط خاص دریانوردی ناچار بودند چند ماه در این شهرها توقف کنند، به سرزمین های شرق اسلامی سفر می کردند تا موونه تجاری خویش را فراهم سازند. (9) بی شک این روابط گسترده، سهم به سزایی در آشنایی اروپا با تمدن اسلامی داشت.

گذشته از روابط تجاری، اروپاییان در قالب سفرهای زیارتی و سیاحتی هم به سرزمین های اسلامی آمد و شد داشتند. مهم ترین مکان های مقدس مسیحیان یعنی زادگاه و موطن عیسی (ع) و آرامگاه مریم مقدس و ((کلیسای

قیامت)) در شهرهای فلسطین واقع بودند که از اوایل فتوحات مسلمانان به سرزمین های اسلامی ملحق شده بود ند. شهر ((سانتیاگو دو کومپستلا)) (10) (SANTIAGO DE COMPOSTELA) در اسپانیا نیز که از سال 711 م / 92 ه' به دست مسلمانان افتاده بود، یکی از این شهرها بود که زایران مسیحی بدان سفر می کردند. با توجه به تسامح دینی مسلمانان نسبت به اهل کتاب، زایران مسیحی، به جز در چند دوره کوتاه، برای زیارت این اماکن آزاد بودند. از این رو، آنان با مظاهر فرهنگ و تمدن مسلمانان از نزدیک آشنا می شدند و پس از بازگشت، به شرح و توصیف دیده ها و شنیده های خود می پرداختند. این گزارش ها گاه نیز در قالب ((سفرنامه)) ها و یا ((راه نامه))ها به رشته تحریر در می آمد که قدیمی ترین آن ها مربوط به سال 1103 م است. (11) علاوه بر زایران مسیحی، در قرن های دوازدهم و سیزدهم میلادی، سیاحان اروپایی بسیاری نیز به سرزمین های اسلامی سفر می کردند. در قرن سیزدهم هم که سفرهای آسیایی رونق یافت، سیاحان اروپایی برای رسیدن به سرزمین های شرق دور به ناچار از سرزمین های اسلامی عبور میکردند. (12)

گسترش فعالیت های نظامی اروپاییان در مرزهای شرقی و غربی که با تصرف برخی سرزمین های اسلامی همراه بود، سومین عامل اساسی آشنایی بیشتر غرب با تمدن اسلامی بود. جنگ های مکرر و دایمی ((بیزانس)) با دولت ((حمدانیان)) و دیگر دولت های ثور شام بیش از نیم قرن ادامه یافت که ضمن آن، گاه تا نواحی مرکزی شام هم پیش می آمدند. (13)

نبردهای بازپس گیری (RECONQUEST) که در اسپانیا آغاز شده بود و با تصرف شهر طلیطله (تولدو و TOLEDO) در سال 478 ه' / 1085 و سپس اشغال شهر سرقسطه (ساراگوزا SARAGOZA) در 513 ه' / 1118 م دنبال شد، (14) تا استیلای مسیحیان بر بخش عمده ((شبه جزیره ایبری)) ادامه یافت. نورمان ها نیز در اوایل قرن یازدهم میلادی مسلمانان را از پایگاه هایشان در جنوب ایتالیا بیرون راندند و پیش از اتمام این قرن، بر جزیره سیسیل استیلا یافتند. در همین ایام، بیزانسی ها نیز جزیره ساردنی (سردانیه SARDENIA) را از مسلمانان باز پس گرفتند. (15) اما از همه مهم تر جنگ های صلیبی بود که به دو قرن حضور فعال مسیحیان در قلب سرزمین های اسلامی منتهی شد و نقش اساسی در آشنایی مسیحیان با فرهنگ و تمدن مسلمانان داشت.

به هر حال، این شناخت جدید غرب از جهان اسلام و فرهنگ و تمدن آن - که تحت علل و اسباب فوق الذکر صورت گرفت - با انتقال جنبه هایی از فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا همراه بود که بارزترین آن ترجمه علوم اسلامی در اروپا برای دستیابی به معارف بشری بود.

آغاز نهضت ترجمه

وجود مراکز علمی و پژوهشی بزرگ در شهرهای اسلامی و کتابخانه هایی که انباشته از هزاران جلد کتاب بودند موجب شگفتی اروپاییان می شد و روح خفته تحقیق را در آنان بیدار می ساخت. اما مشکل اساسی در وهله اول به دست آوردن این کتاب ها و سپس تحصیل آن ها در اروپا بود، زیرا قسمت اعظم این کتاب ها در طی قرون وسطی از بین رفته بود، به طوری که تقریباً هیچ یک از آثار یونانیان در اروپای غربی یافت نمی شد. (16) از این رو، آنان به سرزمین های اسلامی روی آوردند، زیرا ترجمه های متون یونانی به زبان عربی در آن جا قابل دسترس تر بود. با این حال، فراهم کردن کتاب های عربی نیز چندان آسان نبود. تصور می رفت که صلیبیان متون اصلی کتب یونانیان یا حداقل ترجمه های عربی آن ها را همراه خود به اروپا بیاورند، اما آن ها فقط به قتل و غارت شهرها اکتفا کردند؛ لذا دانشمندان اروپایی که در تعامل فرهنگی با سرزمین های اسلامی بودند، خود به انتقال این متون عربی به اروپا و ترجمه آن ها به زبان های اروپایی دست زدند. سرانجام، از این طریق آثار مولفان یونانی نخست از راه ترجمه های عربی آن ها و سپس به طور مستقیم از برخی متون یونانی باقی مانده، به اروپا انتقال یافت. (17)

بدین ترتیب، در سده های یازدهم و دوازدهم میلادی، نهضت بزرگی در ترجمه کتاب های عربی آغاز شد؛ در ابتدا کار مترجمان اروپایی فقط باز گرداندن متون یونانی از زبان عربی به زبان های اروپایی بود، لیکن پس از چندی ترجمه

مشروح و تفاسیر مسلمانان بر این متون و تالیفات اصیل اسلامی نیز آغاز شد. شاید علت اصلی رویکرد اروپاییان به تالیفات مسلمانان را بتوان در عدم توانایی و استطاعت آنان در درک مطالب موجود در کتب یونانیان و در نتیجه نیازشان به شرح و تفسیر گسترده و قابل فهم مطالب مذکور دانست.

زبان اصلی ترجمه در اروپا، زبان لاتین بود که کلیه آثار ترجمه شده، در نهایت به آن برگردانده می شد. با این حال، ترجمه به زبان های محلی نیز انجام می شد. این زبان ها در واقع نوعی واسطه و زبان فرعی محسوب می شدند. زبان های ((کاستیلی)) و ((سلتی)) به ویژه در اسپانیا کاربرد داشتند و توسط مترجمان نخستین اسپانیا به کار می رفتند. ترجمه به زبان فرانسوی نیز در حد بسیار محدودی انجام می شد. اما مهم ترین زبان فرعی ترجمه، زبان ((عبری)) بود که یهودیان پرچمدارش بودند. (18)

در آن دوران، شمار یهودیان در سرزمین های اسلامی زیاد بود و از میان آن ها دانشمندان بزرگی ظهور کردند که با علوم اسلامی آشنایی کامل داشتند و علاوه بر تالیف آثار ارزشمند علمی - که عمدتاً به زبان عربی بود (19) - به ترجمه متون عربی اسلامی به عبری و گاه لاتینی هم اقدام می کردند. با این حال، ترجمه های عبری آثار اسلامی - عربی دیرتر از ترجمه های لاتینی آغاز شد؛ برای مثال ترجمه عبری کتاب قانون ابن سینا، یک قرن پس از ترجمه آن به لاتینی، یعنی در 1279 میلادی صورت گرفت. کتاب الحاوی محمد بن زکریای رازی و التصریف ابوالقاسم زهراوی (20) نیز چنین بود. علت این امر، آشنایی کامل یهودیان با زبان عربی و امکان استفاده آن ها از کتاب های عربی - اسلامی بود. لذا ضرورتی برای ترجمه این آثار به زبان عبری پدید نیاورد. (21) با این وجود، در نیمه دوم قرن دوازدهم میلادی، چند تن از مترجمان بزرگ یهودی در اسپانیا ظهور کردند که در جای خود درباره آن ها سخن خواهیم گفت.

زمینه های فعالیت مترجمان

در آغاز رنسانس فکری اروپا و ظهور اندیشه اومانیستی، به جهت پیدایش نوعی بدبینی در میان اندیشمندان غربی نسبت به علوم دینی - که ناشی از عملکرد نادرست اربابان کلیسا بود - و نیز نیاز جوامع اروپایی، توجه دانشمندان اروپا بیشتر به علوم طبیعی و تجربی (پزشکی، نجوم، فیزیک، شیمی و ...) و علوم نظری (چون حساب و هندسه) معطوف گردید. لذا اولین آثاری که از عربی ترجمه شد، در همین زمینه ها بود.

در این میان، تفوق و برتری با علوم پزشکی بود. علت آن نیز پیدایش حرکت جدیدی در زمینه پزشکی اخیر در اروپای غربی بود که بی شک ((مدرسه طب سالرنو (SALERNO))) که بزرگترین مرکز درمانی و پزشکی اروپای غربی در آن زمان محسوب می شد را باید طلیعه دار آن بدانیم. پس از آن، مدارس پزشکی دیگری نیز در مون پلیه (MONT POLIER) و شارتر (CHARTRES) تأسیس شد. از این رو، کتاب های طب اولین آثار عربی بودند که در مدرسه سالرنو به وسیله ((کنستانتین افریقایی (CONSTANTIN OF AFRICA))) در گذشته 1089 ه. - ترجمه شدند (22) و تأثیر به سزایی در شکوفایی علوم پزشکی در این مرکز داشتند.

به دنبال کار کنستانتین، مترجمان دیگر، آثار بسیاری از پزشکان مسلمان را ترجمه کردند که برخی از آن ها کتاب های درسی مدارس مذکور قرار گرفتند. از جمله این مترجمان ((یوهان افلاسیوس (PLASSIUS JOHAN))) - متوفی 1103 م - را می توان نام برد که هم عصر کنستانتین بود. (23)

در سده دوازدهم میلادی، کار مترجمان علوم پزشکی از اهمیت بیشتری برخوردار بود. گرچه پزشکان اروپایی فعالیت هایی را آغاز کرده بودند، ولی هنوز پزشکی اروپا روی پای خود نایستاده بود و کاملاً وابسته به تجربه های پزشکی مسلمانان بود. آثار ارزشمندی از پزشکان اسلامی در این قرن ترجمه شد که از مهم ترین آن ها ترجمه های متعددی از کتاب الطب الملکی علی بن عباس اهوازی بود که بسیاری از نسخه های آن ها هم اکنون در دسترس است. (24) پس از آن، کتاب قانون ابن سینا مهم ترین کتاب پزشکی بود که به لاتینی و سپس به عبری ترجمه شد و ترجمه آن بارها تکرار گردید. پس از پیدایش صنعت چاپ نیز، قانون از اولین کتاب هایی بود که به چاپ رسید؛ این کتاب نخست در فوریه 1473 م در ایتالیا منتشر گردید و پس از دو سال تجدید چاپ شد. حتی سومین چاپ آن نیز پیش از انتشار کتاب کوچک

جالینوس صورت گرفت (25) (تا سال 1500 میلادی، ترجمه لاتین این کتاب پانزده بار به چاپ رسید، در حالی که کتاب جالینوس فقط دو بار چاپ شد). (26)

ترجمه آثار رازی هم، از کارهای ارزشمند مترجمان اروپایی بود. طب منصوری او به وسیله (ژرارد کریمونایی JERHARD OF KERIMONA) ((به لاتین و یک قرن بعد از عربی به عبری ترجمه شد. کتاب الحاوی او که دایره المعارفی بزرگ در طب بود، توسط ((فرج بن سالم)) - یهودی اسپانیایی - به عبری و سپس به لاتینی ترجمه گردید. ترجمه این آثار شهرت بسیاری را برای رازی به همراه داشت و اروپاییان او را به نام Rasis شناختند. (27) آثار رازی، پس از چاپ قانون ابن سینا، نخستین آثار اسلامی به چاپ رسیده بودند. (28)

بزرگ ترین رساله جراحی اسلامی یعنی کتاب التصریف ابوالقاسم زهراوی - که در اروپا به AVENZOER معروف بود - در همین قرن به لاتین و سپس به عبری ترجمه شد. هم چنین بسیاری از کتاب های ترجمه شده به وسیله کنستانتین آفریقایی در قرن یازدهم، پس از او مجدداً ترجمه شد؛ مانند کتاب های زادالمسافر ابن جزار و رسایل حنین بن اسحاق. (29)

بسیاری از آثار پزشکان مسلمان در سده های دوازدهم و سیزدهم نیز، همزمان با تألیف آن ها، به زبان های لاتینی و عبری ترجمه می شدند. از این قبیل است کتاب کلیات طب ابن رشد و کتاب التیسیر ابن زهر، که نخست به عبری و سپس به لاتین ترجمه شدند. (30) علاوه بر این ها آثار از ((ابن نفیس)) در علم تشریح و ((ابن هیثم)) در چشم پزشکی و ((ابن میمون)) در طب عمومی، و کتاب های بسیاری در داروشناسی و گیاه شناسی و دامپزشکی، در طی این دوران ترجمه شدند.

پس از پزشکی، کتاب های ریاضی بیش از همه مورد توجه مترجمان بودند. اولین آثار ترجمه شده در این زمینه، کتاب های بازمانده از یونانیان مانند چهار رساله و پانزده مقاله اصولی اقلیدس و نیز کتاب الاربعه بطلمیوس بودند که از عربی ترجمه شدند. اما در میان تألیفات مسلمانان از همه مهم تر ترجمه کتاب جبر و مقابله خوارزمی بود که آغازگر علم جبر در اروپا محسوب می شود. این کتاب دو بار تحت نام های ALGEBRA و LIBER ALGURISMY (یا کتاب الخوارزمی) ترجمه شد که هم اکنون بعضی نسخه های آن ها موجود است. (31) هم چنین ترجمه رساله هایی از ((سهل بن بشر)) و ((ابومعشر بلخی)) و نیز آثاری از ((ثابت بن قره حرانی))، ((محمد بن موسی بن شاکر))، ((فرغانی)) و... از کارهای ارزشمند در زمینه ریاضیات بود.

بدین ترتیب، قسمت اعظم دانش ریاضیات لاتینی از منابع عربی اخذ شد. در آثار قدیمی لاتینی یا ترجمه های عبری، تنها قسمت کوچکی از معلومات ریاضی را می توان یافت، ولی بخش اصلی آن مستقیماً از متون عربی - اسلامی گرفته شده است. (32)

فعالیت مترجمان اروپایی در زمینه نجوم و ستاره شناسی - که بخش اعظم علم مثلثات و هندسه را نیز در بر می گرفت - بسیار گسترده بود. در این زمینه نیز، قسمت اعظم دانسته های اروپاییان از منابع عربی تأمین شد. آن ها ابتدا با ترجمه آثار یونانی نظیر کتاب های اقلیدس و بطلمیوس - که به زبان عربی موجود بود - شروع کردند و پس از آن کتاب های دانشمندان مسلمان را - آثار نجومی و آثاری که در شرح و تہذیب تألیفات یونانی نوشته شده بود - به لاتین ترجمه کردند. در قرن دوازدهم، تعداد بسیاری از این کتاب ها ترجمه شد، زیرا تصادفاً فعال ترین مترجمان این دوره: ((یوحنا اشیلی)) (JOAN DE SEVILLA) از علاقمندان به نجوم و ریاضیات بود. به جهت آن که ذکر همه آثار ترجمه شده در این زمینه در این جا میسر نیست، فقط به نام برخی از آن ها اشاره می کنیم:

o کتاب زیج خوارزمی و شرح فرغانی بر آن.

o کتاب تہذیب مسلمة مجریطی بر المجسطی بطلمیوس و نیز شرح او بر زیج خوارزمی.

o کتاب نجوم بتانی و شرح بیرونی بر آن.

o آثار بنی شاکر و رسایل آن ها در باب اشتباهات نجومی بطلمیوس.

o زیج زرقانی - که در اروپا به ARZECHEL معروف بود - که مبنای زیجهای طلیطله و لندن قرار گرفت.

O تصحیح البطروجی - معروف به ALPETRAGIOS - بر کتاب مجسطی، و آثار بسیار دیگری از ((جابر بن افلاح ا شبیلی))، ((ثابت بن قره))، ((الکندی))، ((ماشیا الله منجم)) و سایر منجمان و ستاره شناسان مسلمان. (33)

ترجمه این آثار، علم نجوم را که به مدت چندین قرن به دست فراموشی سپرده شده بود در اروپا زنده کرد. فعالیت های ستاره شناسان بزرگ اروپایی در عهد رنسانس و شکوفایی علمی اروپا، بر اساس این آثار صورت گرفت. کارهای دانشمندانی چون ((کوپرنیک (1473)) ((COPERNIC (1543 م)) ((کپلر (1571)) ((KEPLER (1630 م)) و... برگرفته از دانش مسلمانان بود. در واقع، هنگامی که منجمان مسلمان به اصلاح مجسطی بطلمیوس و رفع اشتباهات آن سرگرم بودند، دنیای لاتینی تازه مطالعه آن را آغاز کرده بود و زمانی که مسلمانان به تخریب آن پرداختند، مردم اروپا تازه آن را کشف کردند. (34)

در زمینه علوم شیمی و فیزیک نیز آثار پراکنده ای از دانشمندان مسلمان ترجمه شد. از مترجمان فعال در این زمینه ((آرتفیوس (ARTEPHIUS)) بود که کتاب ((خالد بن یزید اموی)) در کیمیا را ترجمه کرد. در قرن سیزدهم نیز کتاب لوح زبرد از نویسنده ای ناشناس و چند کتاب دیگر در کیمیا ترجمه شد. (35)

در فیزیک، ترجمه کتاب البصائر بطلمیوس از عربی - که توسط ((ایوگنیوس (EUGNIUS)) انجام شد - تحول بزرگی در اروپا پدید آورد. علاوه بر آن، ترجمه آثاری از ((ابن هیثم)) در نورشناسی، ((ثابت بن قره)) در مکانیک و رسایلی از ((کندی)) و ((ابن وافد)) را نیز باید خاطر نشان کرد. (36)

ترجمه آثار فلسفی عربی - اسلامی، با تأخیر زمانی زیادی آغاز شد. اولین آثار فلسفی، قریب دو قرن پس از آغاز نهضت ترجمه - یعنی در قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی - به زبان های لاتین ترجمه شدند. علت این تأخیر را نیز می توان در رویگردانی اندیشمندان عصر رنسانس از مباحث نظری فلسفه و حکمت الهی که مدتها در کلیساها بدان پرداخته شده بود، جستجو کرد.

نخستین مراکز ترجمه در اروپا

انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا از سه مرکز اصلی صورت گرفت: ((حوزه اسپانیا))، ((حوزه سیسیل و ایتالیا)) و ((حوزه شرق مدیترانه)). در این میان، آن مراکزی که نقش اصلی در نهضت ترجمه علوم اسلامی داشتند، حوزه اسپانیا و حوزه سیسیل بودند. حوزه شرق مدیترانه گرچه طی جنگ های صلیبی اهمیت خاصی پیدا کرد، ولی در زمینه ترجمه متون اسلامی جایگاه بلندی نداشت. از این رو در بخشی از مراکز ترجمه، تنها به دو حوزه اسپانیا و سیسیل می پردازیم.

O حوزه اسپانیا

سرزمین اسپانیا - و به طور دقیق تر شبه جزیره ایبریا - در سال 92 ه' / 711 م به دست سرداران مسلمان فتح شد و علیرغم ناهمگونی ساختار جمعیتی و اختلافات سیاسی داخلی و مشکلات خارجی، در کمتر از نیم قرن دولت مقتدر اسلامی در آن پا گرفت. تشکیل دولت اموی در سال 138 ه' / 736 م سرآغاز شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در این سرزمین (37) بود. با انقراض آنان در 422 / 1032 م و روی کار آمدن دولت های طوایف، راه برای پیشروی مسیحیان شمال هموار گردید که نخستین گام آن، تصرف شهر طلیطله در سال 478 ه' بود. (38) از این پس امیران مرابطین (540 - 483 ه') و سلاطین موحدین (668 - 540 ه') - دولت های اسلامی شمال آفریقا - بر اندلس فرمان می راندند. (39)

آخرین دولت اسلامی اندلس، خاندان بنی نصر (897 ه' - 149) بود که فقط بر سرزمین غرناطه (GERANADA) - بخش کوچکی در جنوب اسپانیا - حاکمیت داشتند (40) و دولتشان در سال 897 ه' / 1492 م توسط ((فردیناند)) پادشاه کاتولیک اسپانیا برچیده شد. (41)

مسلمانان در طی هشت قرن حضور فعال خود در اندلس، یکی از بارزترین و شکوفاترین مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی را پدید آوردند. دوره حکومت امویان، دوره رشد و توسعه علوم اسلامی محسوب می شود که به تأسیس کتابخانه ها و

مراکز آموزشی متعدد ممتاز بود و مهم ترین آن ها کتابخانه بزرگ ((حکم المستنصر اموی)) (366 - 350 هـ) بود که به قولی چهارصد هزار جلد کتاب داشت. (42)

دوره های بعدی نیز شاهد تحولات و فعالیت های علمی فراوان و ظهور دانشمندان بزرگی در رشته های مختلف علوم نظیر ((ابوالقاسم زهراوی)) طبیب و جراح، ((مسلمه بن احمد مجریطی)) ستاره شناس، ((خاندان بنی زهر ابن طفیل))، ((ابن رشد)) و... بود که شهرت جهانی یافتند. آثار علمی آنان نیز از معتبر ترین کتب علمی اسلامی بود و بسیاری از آن ها در نهضت ترجمه به زبان های اروپایی ترجمه شد. (43)

اسپانیا، در واقع گذرگاه اصلی انتقال فرهنگ مسلمانان به اروپا بود. گذشته از مسیحیان اسپانیا، هم کیشان آن ها در فرانسه و ایتالیا با سرزمین های اسلامی اسپانیا در ارتباط بودند و افزون بر مراودات تجاری و سفرهای زیارتی، حتی برخی از آنان برای تحصیل علوم به شهرهای اسلامی اسپانیا سفر می کردند که از آن جمله می توان از ((گربرت GERBERT)) - متوفای 1003 میلادی - نام برد که مدت ها در این نواحی به تحصیل ریاضیات و حساب مشغول بود و بعدها با عنوان ((سیلوستر دوم)) به مقام پاپی رسید. (44) توسعه مرزهای سیاسی مسیحیان اسپانیا و تصرف سرزمین های اسلامی موجبات دستیابی اروپاییان به ذخایر علمی مسلمانان را فراهم ساخت. این امر به نوبه خود انگیزه ای برای تحول فکری و احیای اندیشه علمی آن ها و آغازگر حرکت علمی جدیدی در قرن دوازدهم میلادی بود که نخستین گام آن، ترجمه متون علمی از زبان عربی بود.

((دون ریموند REAMOND)) - اسقف اعظم شهر طلیطله - در بین سال های 1136 - 1151 میلادی، اولین دارالترجمه رسمی را در این شهر بنیان گذارد و دانشمندان بسیاری را در آن گرد آورد و آن ها را به ترجمه علوم اسلامی مأمور ساخت. (45) البته ترجمه آثار اسلامی در اسپانیا به این مرکز منحصر نماند، بلکه در گوشه و کنار اسپانیا مترجمان لاتینی دست به ترجمه این آثار زدند. بی شک دستاوردهای این حوزه فرهنگی برای اروپا بیش از فعالیت خود حوزه سیسیل بود. این امر نیز ناشی از برتری علمی و فرهنگی حوزه اسپانیا نسبت به حوزه سیسیل در حیطه معارف اسلامی و آشنایی بیشتر اسپانیایی ها با زبان عربی و متون و علوم اسلامی بود. (46)

مترجمان حوزه اسپانیا

در قرن دوازدهم میلادی، همزمان با تشکیل دارالترجمه طلیطله، عده ای از دانشمندان اسپانیایی و غیر اسپانیایی در حوزه اسپانیا به ترجمه متون عربی - اسلامی پرداختند که در این جا به چند تن از ایشان اشاره می کنیم:

یوحنا اشبیلی (JOAN DE SEVILLA)

یوحنا از یهودیان اسپانیا بود که به دین مسیحیت گروید. ظهور علمی او بین سال های 1137 تا 1153 در شهر طلیطله بود که در آن جا به خدمت اسقف اعظم ((دون ریموند)) مشغول شد. ترجمه های او با همکاری شخص دیگری به نام ((دومنیگو گوندیسالوو)) انجام می شد، بدین شکل که یوحنا متن عربی را به زبان کاستیلی (از زبان های محلی اسپانیا) ترجمه می کرد و دومنیگو آن ها را به لاتین برمی گردانید. متونی که او از عربی ترجمه کرد، شامل 25 کتاب و رساله در زمینه های حساب، نجوم، طب و فلسفه بود که از مهم ترین آن ها کتاب حساب خوارزمی است، که مبنای ریاضیات اعشاری در اروپا قرار گرفت. از میان 13 ترجمه او در باب نجوم، کتاب های بتانی، ثابت بن قره، ابومعشر بلخی و مسلمه مجریطی از اهمیت بیشتری برخوردارند. ترجمه های او در فلسفه شامل هفت اثر از جمله رساله فی العقل کندی احصای العلوم فارابی و قسمتی از کتاب الشفا ابن سینا و مقاصد الفلاسفه غزالی است. (47)

بسیاری از این کتاب ها با ظهور صنعت چاپ در طی سده های 15 و 16 میلادی به چاپ رسیدند. از آن جمله کتاب نجوم فرغانی بود که در 1492 م منتشر شد. هم چنین کتاب الموالید ابن خیاط در 1546 م در نورنبرگ و رساله فی العقل کندی در سال 1489 م در آکسبورگ چاپ شدند. (48)

دومنیگو گوندیسالوو (DOMENIGO GONDYSALLVO)

او همکار یوحنا اشبیلی در ترجمه متون اسلامی بود و چون متمایل به فلسفه بود، آثارش بیشتر در این زمینه است. فعالیت او، بیشتر در محدوده رساله‌ها و تالیفات مسلمانان حایز اهمیت است. قسمت اعظم فلسفه اسلامی اسپانیا از طریق ترجمه‌ها، اقتباس‌ها و تہذیب‌های او به قلمرو مسیحیت لاتینی وارد شد. او خود آثاری در فلسفه داشت که سخت تحت تأثیر آثار ((فارابی)) و ((ابن جبرول)) بود. (49)

هوگو سانتالایی (OGO DE SANTALLA)

او احتمالاً در شهر ((سانتالا)) در شمال غرب اسپانیا به دنیا آمده بود. هوگو در نجوم و کیمیا سر رشته داشت و از سال 1119 تا 1151 م. در خدمت اسقف شهر طرسونه (TARASONA)) می زیست. او ظاهراً با دارالترجمه طلیطله رابطه‌ای نداشته است. ترجمه‌های او بیشتر در نجوم و کیمیا است که شامل 10 اثر می شود؛ از جمله: شرح بیرونی بر کتاب نجوم بتانی، کتاب الموالمید ماشا الله منجم، صد کلمه بطلمیوس، و قدیمی ترین ترجمه لاتینی درباب کیمیا از کتابی به نام لوح زبرجد. (50)

گذشته از مترجمان اسپانیایی، برخی از مترجمان غیر اسپانیایی نیز در این حوزه فعالیت داشتند که مهم ترین آن‌ها عبارتند از: ((رابرت چستری (ROBERT)) ((OF CHESTER)) ریاضی دان، منجم و کیمیاگر انگلیسی که در حدود 1141 تا 1147 م در اسپانیا به سر می برد و از 1147 تا 1150 م در لندن بود. ترجمه‌های او از آثار اسلامی شامل هفت کتاب است که مهم ترین آن‌ها کتاب جبر و مقابله خوارزمی است. این نخستین ترجمه کتاب مذکور بود که در 1147 م انجام شد. هم چنین ترجمه صناعه الاحکام کندی و رساله‌ای در باب اسطرلاب منسوب به بطلمیوس از آثار او ست. ((رابرت چستری)) به درخواست ((پیر معزز (VENERABL PETER)) و با همکاری ((هرمان دالماتیایی)) در 1141 م نخستین ترجمه لاتینی قرآن را در 1141 م آغاز و در 1143 م به اتمام رسانید. (51)

هرمان دالماتیایی (HERMANOS OF DALMATA)

او در پاریس تحصیل کرد و از 1138 تا 1142 م در اسپانیا بود. از آثار مهم او ترجمه رساله‌ای از ((سهل بن بشر)) در نجوم، ترجمه زیج خوارزمی، کتاب المدخل ابومعشر بلخی و شرح مسلمه مجریطی بر کتاب بطلمیوس بود. او همزمان با ترجمه قرآن که با همکاری رابرت چستری انجام می داد، دو رساله علیه اسلام به نام‌های ((امت اسلام)) و ((آیین محمدی)) نوشت. (52)

افلاطون تیولی (PLATO OF TIOLA)

ریاضی دان و منجم ایتالیایی که طی سال‌های 1134 تا 1145 م در بار سلون اسپانیا می زیست. ترجمه او از کتاب الاربعه بطلمیوس، اولین اثر ترجمه شده از آثار بطلمیوس بود. او همچنین زیج بتانی، اعمال الهندسه ابراهیم بن برحیه و چند رساله دیگر در نجوم از ((ابن خیاط)) و ((ابن خصیب)) را ترجمه کرد. (53)

رو دولف بروگسی (RODOLE OF BROGES)

منجم فلاماندی و از شاگردان هرمان دالماتیایی بود که شرح مسلمه مجریطی بر کتاب بطلمیوس و کتاب اسطرلاب او را ترجمه کرد. (54)

ژرارد کریمونایی (JERHARD OF KERIMONA)

او نیز ایتالیایی بود، ولی مدت زیادی از عمرش را در اسپانیا گذرانید. ژرارد از بزرگ ترین مترجمان حوزه اسپانیا و شاید همه اعصار بود. فعالیت او در اسپانیا از 1114 م آغاز و تا 1187 ادامه داشت. علاقه زیاد او به کتاب المجسطی او را به شهر طلیطله اسپانیا کشانید و چون در آن جا فراوانی آثار علمی مختلف به زبان عربی را مشاهده کرد، به آموختن زبان

عربی و ترجمه آثار مذکور پرداخت. او تا پایان عمرش در 1187 م همه همت خویش را صرف ترجمه این کتاب ها کرد. کلیه فعالیت های او و شاگردانش در طلیطله - که بهترین مکان برای این کار بود - صورت گرفت. ژرارد در شاخه های مختلف علوم کار کرد. وسعت کار او این توهم را ایجاد کرده است که او رهبری نهضت ترجمه در طلیطله را به دست داشته است. آثار ترجمه ای او از عربی به لاتین شامل 87 اثر است که شامل برخی کتاب های ارسطو و شاگردان او و دانشمندان مسلمان پیرو مکتب ارسطو و نیز برخی از ارزنده ترین آثار ریاضی، نجومی و فیزیک دانشمندان مسلمان می شود.

آثار او در نجوم شامل ترجمه اصلاح المجسطی جابر بن افلاح اشبیلی، زیج زرقانی، سه مقاله از ثابت بن قره، جوامع علم النجوم فرغانی، زیج جیهانی و کتاب ها و رساله های متعددی از دانشمندان مسلمان می شود. در ریاضیات نیز کتاب جبر و مقابله خوارزمی، آثار پسران موسی بن شاکر و کتاب اعمال الهندسه از مولفی ناشناس و شروخی بر آثار اقلیدسی را ترجمه کرد. (55)

در زمینه طب، گذشته از آثار یونانیان، او مجموعه تالیفات رازی الحاوی، طب المنصوری، مایحضره الطیب و او جاع المفاصل و کتاب التصریف ابوالقاسم زهراوی، قانون ابن سینا و آثاری در داروشناسی از یعقوب کندی، ابن وافد، ((ابن سربایون)) و ((ابن ماسویه)) را به لاتین برگرداند. (56) آثار او در فلسفه اسلامی شامل شرح فارابی بر کتاب ارسطو و احصای العلوم او، چهار اثر از کندی و کتاب حنین بن اسحاق می باشد. او هم چنین کتاب هایی از ثابت بن قره و ابن هیثم (در فیزیک)، و کتاب هایی از جابر بن حیان و رازی (در شیمی) ترجمه کرد. (57)

یکی از ویژگی های مهم حوزه اسپانیا، حضور و فعالیت دانشمندان و مترجمان یهودی بود که از مشهورترین آن ها ((ابراهیم بن عزرا)) و ((ابراهیم بن برحیه)) را می توان نام برد. ابن عزرا (1167 - 1089 م) در طلیطله زاده شد. در باره تحصیلات او آگاهی زیادی در دست نیست. از آثار ترجمه ای او به عبری، دو رساله نجومی از ماشا الله منجم و شرح بیرونی بر زیج خوارزمی است که کتاب اخیر تنها از طریق ترجمه او در اروپا معرفی شد. (58) ابراهیم بن برحیه (متوفای 1138 م) نیز ریاضیدان و فیلسوف اسپانیایی بود که با سایر مترجمان اسپانیا همکاری داشت. از دیگر مترجمان یهودی اسپانیا ((موسی پسر سموئیل)) (1283 - 1240 م) بود که ترجمه های او مشتمل بر 30 اثر می شد و بخش مهم آن ها شروح ابن رشد بر آثار یونانیان و چند اثر از جابر بن افلاح، البیروچی، قانون و الاشارات ابن سینا و زادالمسافر ابن جزار بود. (59)

O حوزه سیسیل

جزیره سیسیل به سال 212 هجری به دست ((اغلبیان)) - از امرای تابع عباسیان در افریقای فتح شد، اما آن ها نتوانستند بر تمام جزیره استیلا یابند. (60) سپس ((فاطمیان)) سیسیل را تحت حکم خود درآوردند و از سال 340 هجری ((کلبیان)) از جانب آن ها بر این جزیره حکمرانی کردند. از اوایل قرن پنجم هجری حملات نورماندیا از ایتالیا بر سیسیل آغاز شد و سرانجام در 483 ه' 1091 م تمام جزیره را به تصرف خویش درآوردند و بر حاکمیت مسلمانان بر آن خاتمه دادند. (61)

حضور مسلمانان در این حوزه فقط به جزیره سیسیل محدود نمی شد، آن ها سواحل جنوبی ایتالیا را که نزدیک ترین جا به سیسیل بود مورد هجوم قرار می دادند و اغلب، پادگان هایی در این نواحی داشتند. این پیروزیها اگر چه دوام زیادی نداشت، ولی تأییدی بر حضور دایمی مسلمانان در این ناحیه بود. (62)

سیسیل در طی حکومت مسلمانان، یکی از مراکز تمدن و فرهنگ اسلامی بود که پس از استیلا نورماندیا بر آن، تا مدتی این خصلت را حفظ کرد. حاکمان نورماندی سیسیل که هم سیاست مسالمت جویانه ای نسبت به مسلمانان داشتند و هم دوستدار و حامی علم بودند، نقش زیادی در انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا داشتند. ((راجر دوم)) 1154 (ROGER) - 1130 م جغرافی دان بزرگ مسلمان: ((شریف ادریسی)) را به دربار خود فرا خواند و ((فردریک دوم 1250 (FREDRICK) - 1194 م همواره عده ای از اندیشمندان مسلمان را در کنار خود گرد مآورد. (63)

در طی سال‌های متمادی که فرهنگ اسلامی در سیسیل رواج داشت، این جزیره مرکز انتقال فرهنگ اسلامی به اروپا گردید. در واقع، جریان فعال ترجمه متون اسلامی نخست از این ناحیه آغاز شد و اولین مترجمان از این حوزه برخاستند. حوزه سیسیل - در این گفتار - شبه جزیره ایتالیا را نیز در بر می‌گیرد که در قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی از مراکز فعال فرهنگی اروپا بود و مدرسه طب سالرنو در آن قرار داشت. تاریخ تأسیس این مدرسه به درستی معلوم نیست، ولی در سده‌های دهم و یازدهم میلادی، مهم‌ترین مرکز پزشکی و درمانی اروپا محسوب می‌شد. آثار پزشکی این مدرسه در ابتدای قرن یازدهم میلادی ظهور و بروز یافت.

توسعه علوم پزشکی در مدرسه سالرنو مرهون علوم اسلامی و کار مترجمان لاتینی بود؛ با این همه، حتی فعالیت این مدرسه در سده دوازدهم میلادی - که عصر طلایی آن بود - با مراکز علوم اسلامی قابل مقایسه نبود. (64) به هر حال، مدرسه طب سالرنو از مراکز فعال ترجمه در حوزه سیسیل بود. در این جا به نام چند تن از مترجمان فعال این حوزه اشاره می‌کنیم:

کنستانتین افریقایی (CONSTANTIN OF AFRICA)

کنستانتین مسیحی، مسلمان مسیحی شده‌ای بود که در تونس به دنیا آمد و تحصیلاتش را در شمال افریقا آغاز کرد. او در طی سفرهایش به عراق و سوریه، با ((ابن بطلان)) طبیب مسلمان دیدار کرد. پس از آن، مدتی به عنوان دارو فروش به سیسیل رفت. و از آن جا به سالرنو سفر کرد و چون عقب ماندگی پزشکی هم کیشان خود را دید، به فکر آموختن طب به آن‌ها افتاد. او برای تحصیل به مصر رفت و پس از چندی، با انبوه تالیفات مسلمانان به سالرنو بازگشت و در آن جا همه همت خود را بر ترجمه این کتاب‌ها گذاشت تا در سال 1087 میلادی درگذشت. (65) ترجمه‌های فراوان او از عربی به عبری، تحول بزرگی در پزشکی اروپا پدید آورد. ظاهراً او به زبان لاتین تسلط نداشت و در تصحیح فنون از شاگردانش ((اوتو (OTO)) (کامک می گرفت. مهم‌ترین آثار ترجمه‌ای او بخش بزرگی از کتاب الطب الملکی نوشته علی بن عباس اهوازی، کتاب زادالمسافر ابن جزار و رساله چشم پزشکی از حنین بن اسحاق بود. او هم چنین کتاب کامل الصناعه علی بن عباس اهوازی را که به لاتین به نام Liber Regius - شهرت یافت ترجمه کرد. ترجمه کتاب الطب الملکی هم که نخستین کتاب طب عمومی ترجمه شده بود، گشایشی در علوم پزشکی اروپا بود. (66)

ترجمه کتاب‌های بسیاری از دانشمندان یونانی و مسلمان به کنستانتین نسبت داده شده است و شمار دقیق آن‌ها معلوم نیست. پیشتر تصور می‌شد که در بین آثار کنستانتین نسخه‌هایی از تالیفات خود او نیز وجود دارد. این تصور ناشی از آن بود که او بیشتر ترجمه‌های خود را بدون ذکر نام مولف کتاب و حذف تمام نام‌های عربی (و آن چه احتمال داشت هویت کار او را مشخص سازد) از متن کتاب‌ها یا حتی با قرار دادن نام خود به جای نام مولف ارایه کرده بود. او فقط برخی نوشته‌های بقراط و جالینوس را که ترجمه عربی آن‌ها در آثار حنین بن اسحاق موجود بود، به نام خود معرفی نکرد. (67) این مسأله زمانی آشکار شد که اصل عربی کتاب‌های مذکور پیدا شد. ((استفان لمباردی (STEPHANO)) (()) و ((دیمیتریوس سیسیلی (DEMETRUS DE SICILIA)) (()) نخستین کسانی بودند که پی بردند او کتاب شفای العیون حنین بن اسحاق را تحت نام OCLIS DE و کتاب زادالمسافر ((ابن جزار)) را با عنوان VITICUM به خود نسبت داده است. پس از چندی معلوم شد که او کتاب‌هایی از ((اسحاق اورانیوس)) را نیز به خود نسبت داده و کتاب جراحی او همان ترجمه کتاب علی بن عباس اهوازی و کتاب شیمی او متعلق به محمد بن زکریای رازی است! (68)

آدلارد بائی (ADLARD OF BOCE)

او احتمالاً در 1070 میلادی به دنیا آمد و مدتی در نورماندی و فرانسه به سر برد و بین سال‌های 1104 تا 1107 م به سالرنو عزیمت کرد. مدتی نیز در سیسیل اقامت داشت و در سفری که به شرق داشت، مدتی در انطاکیه و طرسوس اقامت کرد. مهم‌ترین و ممتازترین کارهای او، آثار عربی ترجمه شده در زمینه ریاضیات است؛ مانند تصحیح مسلمة مجریطی و زیج خوارزمی که شامل جداول سینوس‌ها و تانژانت‌ها است. از طریق همین کتاب بود که دانش مثلثات

اسلامی به اروپا راه یافت. کتاب دیگر، ترجمه مقدمات حساب خوارزمی و نیز پانزده مقاله اصولی اقلیدسی از متن عربی آن بود. (69)

استفان انطاکی (STEPHANO DE PIZEA)

استفان در شهر پیزای ایتالیا به دنیا آمد و در سالرنو به تحصیل پرداخت و پزشکی حاذق گردید. در حدود 1120 م به انطاکیه سفر کرد و در همین سال ترجمه کتاب الطب الملکی علی بن عباس اهوازی را به اتمام رسانید که قسمت هایی از آن قبلاً توسط کنستانتین ترجمه شده بود. اهمیت کار استفان در افزودن واژه نامه ای در انتهای کتاب بود. او هم چنین نسخه ای از کتاب المأمونی فی الطب را ترجمه کرد؛ جز این ها، او کتاب های بسیار دیگری از عربی به لاتین ترجمه کرد. (70)

ناگفته نگذاریم که در حوزه سیسیل مترجمان دیگری نیز فعالیت داشته اند که اهمیت کار آنان کمتر از افراد مذکور بوده است. آنچه در این جا درباب نهضت ترجمه متون اسلامی بیان شد، تنها مربوط به دوران آغازین این نهضت در سده یازدهم و اوج فعالیت آن در سده دوازدهم میلادی است. نهضت ترجمه کمابیش تا قرن شانزدهم میلادی ادامه یافت. به خصوص در سده های سیزدهم و چهاردهم، ترجمه آثار فلسفی و حکمت در سطح وسیعی آغاز شد. با ظهور صنعت چاپ از قرن پانزدهم به بعد نیز، کتاب های ترجمه شده دانشمندان مسلمان بارها چاپ و منتشر گردید و به عنوان کتاب های درسی در دانشگاه ها و مراکز علمی اروپا به کار گرفته شد.

پی نوشت ها:

- * دانشآموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی - دانشگاه تهران.
1. زایگرد هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چاپ اول، (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1361 ش) ج 2، ص 36.
 2. طوایفی از اقوام شمال اروپا بودند که در نواحی اسکاندیناوی و دانمارک سکونت داشتند. همزمان با تقسیم امپراتوری روم به نواحی جنوبی و مرکز اروپا مهاجرت کردند و مجاور مرزهای امپراتوری روم اقامت کردند و به هنگام ضعف امپراتوری روم غربی به تاخت و تاز در قلمرو آن پرداختند و سرانجام با غلبه بر سایر طوایف مهاجم شمالی جایگزین رومیان در اروپای غربی و مرکزی شدند. ر.ک: هانری لوکاس، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، چاپ چهارم، (تهران، انتشارات کیهان، 1376 ش) ج 1، ص 316 - 317.
 3. ادوارد گیبون، انحطاط و سقوط امپراتوری روم، ترجمه فرنگیس شادمان، چاپ اول، (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1351 ش) ج 2، ص 820 - ر.ک: زایگرد هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا، ص 30.
 4. اسکولاستیک در لغت به معنای ((مدرسه ای)) و یا ((متعلق به مدرسه قرون وسطی)) است و در اصطلاح شاخه ای از فلسفه و حکمت الهی بود که در قرون وسطی در مدارس و دیرهای وابسته به کلیسا تدریس می شد.
 5. ادوارد سعید، شرق شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چاپ اول، (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1371 ش)، ص 103.
 6. همان، ص 129.

7. SURDEL, BERNARD, ISLAMIC SURVEY IN MEIDLLE CENTURY, LONDON, 1940, P: 97.

8. هونکه، همان، ص 49 و 42.
9. همان، ص 51.
10. شهری در شمال غرب اسپانیا است که آرامگاه قدیس یعقوب مرسل در آن است و زائران مسیحی برای زیارت بدان جا می رفتند. مسلمانان این شهر را ((شنت یا قب)) می خواندند.
11. جرج سارتون مقدمه ای بر تاریخ علم، ترجمه صدری افشار، چاپ اول، (تهران، وزارت علوم و آموزش عالی، 1357 ش) ج 2، ص 1044.
12. همان، ص 1046.
13. حسن ابراهیم حسن، تاریخ اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ اول، (تهران، انتشارات جاویدان، 1362 ش) ج 2، ص 48.
14. عزالدین علی ابن الاثیر، الكامل فی التاریخ، چاپ اول، (بیروت، دار صادر، 1386 ش) ج 10، ص 142 و 234.
15. احمد عزیز، تاریخ سیسیل، ترجمه لطفی، چاپ اول، (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1362 ش) ص 81.
16. ویلیام دامپی، تاریخ علم، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، چاپ اول، (تهران، انتشارات سمت، 1371 ش)، ص 107.
17. همان.
18. سارتون، پیشین، ج 2، ص 1168.

19. همان, ص 1167. در شرح حال ابراهیم بن برحیه و ابن میمون و ابراهیم بن عزرا.
20. ابوالقاسم خلف بن عباس زهراوی (م 427 هـ) طبیب اندلسی به شهر الزهرا منسوب است. او صاحب تالیفات چندی در طب است که مهم ترین آن ها التصریف لمن عجز عن التالیف در باب جراحی است.
21. سارتون, پیشین, ص 1094.
22. آلدو میه لی, علوم اسلامی و نقش آن در تحول جهان, ترجمه اسدالله آزاد, چاپ اول (مشهد, بنیاد پژوهشهای اسلامی, 1371 ش) ص 484.
23. همان.
24. سارتون, پیشین, ص 1094.
25. هونکه, پیشین, ج 2, ص 187.
26. همان.
27. سارتون, پیشین, ص 1094.
28. هونکه, پیشین, ج 2, ص 187.
29. سارتون, پیشین, ص 1095.
30. همان.
31. سارتون, پیشین, ص 1244.
32. همان, ص 1183.
33. همان.
34. همان, ص 1191.
35. همان, ص 1190 و 1300.
36. همان, 1459.
37. محمد بن عمر ابن قوطیه, تاریخ افتتاح الاندلس, چاپ اول, (بیروت, مؤسسه المعارف, 1415 هـ) ص 88 - 90.
38. ابن الاثیر, پیشین, ج 6, ص 296.
39. همان, ص 324.
40. محمد عبدالله عنان, تاریخ دولت های اسلامی در اندلس, ترجمه آیتی, چاپ اول, (تهران, انتشارات کیهان, 1368 ش), ج 5.
41. همان.
42. علی امیر, اسلام در غرب, چاپ اول (تهران, انتشارات دانشگاه تهران, 1371 ش) ص 316.
43. همان, ص 341.
44. میه لی, پیشین, ص 508.
45. همان.
46. حسین کامل, اثر العرب و الاسلام فی النهضه الاروبیه, چاپ اول, (بغداد, وزاره الثقافیه, 1385 هـ) ص 265.
47. سارتون, پیشین, ص 1248.
48. میه لی, پیشین, ص 513.
49. سارتون, پیشین, ص 1165 - میه لی, پیشین, ص 513.
50. سارتون, پیشین, ص 1253.
51. همان.
52. میه لی, پیشین, ص 514.
53. همان, ص 512.
54. سارتون, پیشین, ص 1254.
55. همان, ص 1463.
56. همان, ص 1464.
57. همان, ص 1465.
58. همان, ص 1265.
59. میه لی, پیشین, ص 518.
60. ابراهیم حسن, پیشین, ص 192.
61. عزیز احمد, پیشین, ص 88.
62. همان, ص 20 - 30.
63. میه لی, پیشین, ص 493.
64. هونکه, پیشین, ص 480.
65. میه لی, پیشین, ص 485.
66. کامل حسین, پیشین, ص 263.
67. هونکه, پیشین, ص 160.
68. همان.
69. سارتون, پیشین, ص 1244.
70. میه لی, پیشین, ص 491.

منابع

- ابراهیم حسن، حسن، تاریخ اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، (تهران، انتشارات جاویدان، 1362 ش).
- ابن الاثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، (بیروت، دار صادر، 1386 هـ).
- ابن قوطیه، محمد بن عمر، تاریخ افتتاح الاندلس، (بیروت، موسسه المعارف، 1415 هـ).
- امیر، علی، اسلام در غرب، (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1371 ش).
- توین بی، آرنولد، تاریخ تمدن، ترجمه یعقوب آژند، (تهران، انتشارات اساطیر بی تا).
- دامپی یر، ویلیام، تاریخ علم، ترجمه آذرنگی، (تهران، انتشارات سمت، 1371 ش).
- سارتون، جرج، مقدمه ای بر تاریخ علم، ترجمه صدری افشار، (تهران، وزارت علوم و آموزش عالی، 1357 ش).
- سعید، ادوارد، شرق شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1371 ش).
- عزیز، احمد، تاریخ سیسیل، ترجمه لطفی، (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1362 ش).
- عنان، محمد عبدالله، تاریخ دولت های اسلامی در اندلس، ترجمه عبدالمحمد آیتی، (تهران، انتشارات کیهان، 1368 ش).
- کامل، حسین، اثر العرب و الاسلام فی النهضه الارویبه، (بغداد، وزاره الثقافیه، 1385 هـ).
- گیون، ادوارد، انحطاط و سقوط امپراتوری روم، ترجمه فرنگیس شادمان، (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1351 ش).
- لوکاس، هانری، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، چاپ چهارم (تهران، انتشارات کیهان، 1376 ش).
- میه لی، آلدو، علوم اسلامی و نقش آن در تحول جهان، ترجمه اسدالله آزاد، (مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، 1371 ش).
- هونکه، زایگردد، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه عبدالرحیم گواهی، (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1361 ش).

_ SURDEL, BERNARD, ISLAMIC SURVEY IN MEIDLLE CENTURY, LONDON, 1940.